



## بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان - 25 / تیر / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا لازم می‌دانم که به همهی آقایان محترم، به خاطر تشریف‌فرمایی به این محل و تشکیل این اجتماع، خیرمقدم عرض بکنم و از این‌که این فرصت را امروز به من دادید، تا مختصری در خدمتتان باشم و تجدید دیداری بشود، تشکر کنم؛ اگرچه محرومیت از زیارت آقایان - که در اجلاس گذشته، از آن برخوردار بودم - با این مختصر، جبران نخواهد شد. همچنین از بیانات حضرت آیه‌الله مشکینی ( ادام‌الله بقائه الشریف ) و بخصوص اظهار لطفی که نسبت به من فرمودند، تشکر می‌کنم. البته من خودم را کوچکتر از آن می‌دانم که این حسن ظن بزرگوارانه، با این الفاظ بلیغ، متوجه به من بشود.

اجلاس این نوبت آقایان، در حالی انجام گرفت که حوادث بسیار مهمی در دنیا جریان دارد. حوادث هم حوادثی است که ایران اسلامی و ملت ما و فکر و هدفی که ما در این انقلاب و در این نظام جمهوری تعقیب می‌کنیم، نمی‌تواند از آن بیگانه باشد و شاید بعضی از حوادث کنونی عالم، منبعث و یا متوجه به وضع ماست. این، به هر حرکتی و هر اظهارنظری و انجام هر کاری در نظام جمهوری اسلامی، حتی کارهای علی‌الظاهر کوچک، اهمیت می‌دهد؛ چه رسد به کاری بزرگ، مثل کار شما آقایان محترم و مسؤولیت خطیر و بزرگی که برعهده گرفته‌اید. اجتماع خبرگان رهبری در نظام جمهوری اسلامی، تعیین‌کننده‌ترین و مهمترین رکن از ارکان این نظام است. هیچ‌کدام از ارکان نظام جمهوری اسلامی - چه آنچه به تقنین و چه آنچه به اجرا و غیر آنها ارتباط پیدا می‌کند - از لحاظ تعیین‌کننده بودن و آثار ماندگاری باقی گذاشتن، به اهمیت این اجتماع نیست. این معنا موجب می‌شود که مسؤولیت این جمع و آحاد تشکیل‌دهنده‌ی آن، عظمت پیدا کند.

در نظام جمهوری اسلامی، همه مسؤولند؛ اما میان سطح مسؤولیتها تفاوت هست. این مسؤولیت، بالاترین است و قاعدتا در نظام جمهوری اسلامی، اگر کسی که مسؤولیتی بردوش گرفته، اخلاص و قصد قربت و نیت برای خدا نداشته باشد، تحقیقا مغبون شده است. اگر اخلاص و عمل الله و تلاش منهای انگیزه‌های غیر الهی بود، هر مسؤولیتی گوارا، هر کار سنگینی تحمل کردنی، و هر باری برداشتنی است. بالاخره این کار، یا به نتایج مطلوب خواهد رسید، یا نه. علی‌ای حال، وقتی که با نیت صحیح همراه بود، انسان مأجور است و هرچه بار سنگینتر، اجر هم بیشتر خواهد بود. اما اگر در تحمل مسؤولیتها، اغراض و دواعی و انگیزه‌های دیگر دخالت بکند، کار بسیار مشکل خواهد شد؛ چون در نظام اسلامی - که بحمدالله ما از آن برخوردار هستیم - طبق معمول همه جای عالم، در مقابل مسؤولیتها، مابازای دنیوی نیست.

همان‌طور که امام راحل ( رضوان‌الله تعالی علیه ) در یکی از پیامهایشان - شاید به همین مجلس و یا مجلس شورای اسلامی - فرموده بودند، این مسؤولیت‌های سطح بالا در نظام جمهوری اسلامی، به معنای کار بیشتر، اشتغال بیشتر، دغدغه‌ی بیشتر و لزوم تلاش بیشتر است، و نه چیز دیگر. اگر نیت خالص و هدف صحیح، با توجه به آنچه که وضع و اقتضای زمان می‌طلبد، باشد، من و شما آقایان و دیگر مسؤولان، ان‌شاءالله سربلند و روسفید خواهیم بود. و اگر خدای نکرده، در این خللی باشد، مشکلات زیادی به وجود خواهد آمد.

البته من قصد ندارم که در مجمع شما بزرگان و اعلام و معلمان اخلاق و اخلاص، نصیحت اخلاقی بکنم. جمع شما بی‌نیاز از این حرف‌هاست؛ لیکن مذاکره‌ی حقایق و دوران حرف بین‌گوینده و شنونده، فواید زیادی دارد. این، مطلب اول است که هرکدام از ما در هر بخشی از این مسؤولیت عظیمی که قرار داریم و امروز متوجه به ملت ایران، بالخصوص موظفان و مسؤولان و متصدیان امور است، باید همهی همتمان را در این متمرکز بکنیم که وظیفه‌ی الهی را تشخیص بدهیم و بر طبق آن عمل کنیم.



و اما مسأله‌ی بی که مترتب بر این مسأله است، وضع ما در دنیای کنونی است. امروز دنیای مادی و نقشه‌ی سیاسی عالم، به شکلی شده که در طول دهها سال گذشته، این وضعیت هرگز سابقه نداشته است. تمام این خطکشیها و مرزبندیهایی که در طول دهها سال، بخصوص بعد از جنگ بین‌الملل دوم، بتدریج بر اساس ضرورتها و تلاشها و اوضاع عالم پدید آمده بود - جنگ بین قدرتهای بزرگ، تشکیل بلوکهای قدرت، تقسیم دنیا به مناطق سه‌گانه و امثال اینها - همه‌ی این حسابها و معادلات و معاملات، به هم ریخته است. چه پیش خواهد آمد؟ نقشه‌ی سیاسی دنیا چه خواهد شد؟ چه کسی در این بین، گوی موفقیّت را از میدان سیاست و اقتصاد خواهد ربود؟

در این باره نمی‌شود حرفی به قطع و یقین زد؛ اما چیزهایی در این بین روشن و معلوم است. بر اساس این معلومات، باید همه‌ی کسانی که به فکر سعادت خود و محیط قدرت و شعاع نفوذ خود هستند، باید برنامه‌ریزی و فکر کنند. یکی از چیزهایی که در این بین معلوم شده، این است که کشورهای جهان سوم - ملتهای فقیر و دولتهای ضعیف - اگر تاکنون می‌توانستند بین ابرقدرتها مانور کنند و اگر به یکی اتصال و وابستگی دارند، در مقابل آن دیگری، لاقلم علم استقلال بلند کنند و ملتها این احساس را داشته باشند که سخن از آزادی می‌زنند و ابراز قدرت می‌کنند و اقتدارات ملی را نشان می‌دهند - که در طول این سی، چهل سال اخیر، چنین وضعی تقریباً وجود داشت - این وضعیت، دیگر بعد از این نیست.

هر ملتی، اگر تسلیم سلطه‌ی قدرتهای بزرگ عالم شد، از دست رفته است. هر ملتی، اگر حاضر شد از شرف ملی، اقتدار ملی و اراده‌ی ملی چشم‌پوشد، در ورطه‌ی ضعف بی‌پایان و وادی‌یی که آخر آن معلوم نیست، لغزید. هر دولتی که حاضر شد در مقابل خواست دستگاه یکپارچه‌ی سلطه‌ی جهانی تسلیم شود، بیش از گذشته محکوم به ضعف و ذلت و تحت سلطه قرار گرفتن و هضم شدن شخصیت شد. این، یکی از چیزهایی است که وضع فعلی جهان، آن را نشان می‌دهد.

دستگاه سلطه، به سمت یکپارچه شدن هرچه بیشتر پیش می‌رود. دو قطب قدرتی که در مقابل هم قرار داشتند، به یک مرکز قدرت تبدیل شدند، یا تبدیل می‌شوند. البته همان‌طوری که عرض کردم، نمی‌شود پیش‌بینی قطعی کرد؛ اما ظواهر امر - آن‌طوری که ما امروز نگاه می‌کنیم - این است. حتی دولتهای ضعیفی که متکی به ملتهای خودشان نیستند و دم از آزادی می‌زنند و شعارهای آزادیخواهانه می‌دهند، مجبور می‌شوند که تسلیم بشوند و بسیاری از تحمیلات را قبول کنند. این، یکی از واقعیهایی است که وجود دارد و فعلاً این‌طوری است. حالا تا در آینده، چه‌طور به صورت قطعی بشود، البته احتمالاتی هست. در عین حال، متأسفانه الان وضع این‌گونه است. سلطه‌ی غرب و بخصوص امریکا، در میان کشورهای آسیایی، آفریقایی، امریکای لاتین، حتی اروپای شرقی، رو به افزایش است و امریکا امروز بر حسب موازین ظاهری و محاسبات معمولی قدرت، حقیقتاً یک ابرقدرت است. این، یک طرف قضیه است.

یکی دیگر از معلوماتی که در شرایط کنونی وجود دارد، این است که در لابلای این منجلاب ضعف و ذلتی که در میان ملتها و بلکه دولتها مشاهده می‌شود و تقریباً همه در آن غرقند، یا به آن آلوده هستند، افق روشن و تابانی روزه‌روز بیشتر طلوع می‌کند و خودش را بیشتر نشان می‌دهد و آن، افق اسلام و ملتهای اسلامی است. این از شگفتیهایی تاریخ است که درست در همان زمانی که قدرتهای ضداسلامی نیرو می‌گیرند و ملتهای ضعیف، ضعیفتر می‌شوند، برخلاف قواعد ظاهری، ملتهای مسلمان - که غالباً یا عموماً در جناح ملتهای ضعیف عالم قرار دارند - روزه‌روز احساس شخصیت و هویت بیشتری می‌کنند.

نهیضت اسلامی در دنیا، یک امر جدی است. احساس هویت اسلامی در میان ملتهای مسلمان، بلکه در میان جمعیهتهای مسلمان - یعنی آن‌جایی که مسلمین، یک ملت محسوب نمی‌شوند، بلکه یک جمعیت در اقلیت هستند - یک امر واضح و غیرقابل انکاری است. گویی تمام عوامل دست به دست هم داده است، تا ایمان اسلامی و



احساس مسلمانی را در باطن مسلمین عالم قوی کند و آن را به عمل و منش و تحرك بیرونی و ظاهری تبدیل بنماید.

آنچه که ما امروز در مسلمانان مناطق مختلف عالم، بخصوص در آن جاهایی که از رشد و فرهنگ بیشتری برخوردارند - مثل شمال آفریقا، مثل کشورهای اروپایی و بعضی از کشورهای آسیایی - مشاهده می‌کنیم، در طول تاریخ گذشته‌ی نهضت‌های اسلامی، یا بی‌نظیر است و یا کم‌نظیر. در گذشته، حرکت‌های اسلامی بوده؛ اما با وضعیت دگرگونی وجود داشته است.

حرکت خونین مردم الجزایر، در زیر چکمه‌ی ظلم و استعمار فرانسویها بود که رشد کرد و آن انقلاب عظیم را به راه انداخت. آن حرکت، حاکی از آگاهی و رشد و بینش روشن سیاسی و هویت اسلامی نبود؛ آن چنان که حرکت امروز همان مردم در شرایط امروزی کشورشان می‌تواند باشد. دیگر ملت‌های مسلمان و دیگر اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیراسلامی، همین‌طورند. این، يك واقعیت است. کار به جایی رسیده که سردمداران نظام غربی، امروز بی‌ملاحظه تصریح می‌کنند که تقابل آینده‌ی عالم، بین جناح استکبار و سلطه و بین اسلام است. ما این را به حدس درمی‌یافتیم.

اوایلی که این قضایای اروپای شرقی پیش آمد - بروز همه‌ی این حوادث، در يك سال گذشته است و این از عجایب می‌باشد - ما به حدس می‌گفتیم که چنین وضعی پیش خواهد آمد. امروز تصریح بعضی از سردمداران همین دستگاه سلطه‌ی استکباری غرب، به این معناست. آنها چنین چیزی را اظهار کرده‌اند و اظهار می‌کنند. پس، نتیجه می‌گیریم که اگر اقتدار سلطه‌ی ظاهری در يك جا متمرکز می‌شود، یا به يك جانب و به يك صف برمی‌گردد، اقتدار معنوی اسلام - قدرت جدید و عظیم امروز دنیا - هم خودش را نشان می‌دهد و آشکار می‌کند. این چیزی که عرض کردم، نه يك حدس و نه يك امر خطابی‌گونه است. این، بیان واقعیتی است که برای ما حتمی و محسوس است. آنچه که ما باید به آن توجه کنیم، این است که:

اولا این حرکت، ناشی از حرکت عظیم ملت ایران و رهبری بی‌نظیر استثنایی پرجاذبه‌ی امام راحل (رضوان الله تعالی علیه و قدس الله نفسه الشریف) است. قطعا اگر آن رهبر و این ملت و آن حرکت و آن اخلاص نمی‌بودند، این وضعیت در عالم پیش نمی‌آمد. علی‌الظاهر هیچ عامل دیگری وجود ندارد که در دنیایی که همه‌ی دستگاهها و قدرت‌های استکباری، روی معنویت و اسلام فشار وارد می‌آوردند، ناگهان در همه جای عالم، این‌طور اسلام سر بلند کند و قدرت و اقتدار اسلامی خودش را نشان بدهد.

وضع پنج سال و شش سال و هفت سال قبل، وضع شوروی برژنف، وضعیت دنیا در مقابله‌ی با اسلام، شدت و اعمال فشاری که علیه ایران اسلامی می‌کردند، محو معنویت از سطح عالم در پیش از انقلاب و کارهایی که در طول این چند سال نسبت به اسلام انجام دادند و هنوز هم انجام می‌دهند، فراموش نکنیم. در میان این همه شرایط نامساعد، امروز وضعیت این است که عرض کردم.

ثانیا - و این نکته مهم است و حرف اصلی من می‌باشد - ادامه‌ی این حرکت اسلامی و توفیق اسلام در مقابله‌ی با کفر و استکبار جهانی، به میزان زیادی - عرض نمی‌کنم صددرصد، لیکن نزدیک به صددرصد - به کیفیت حرکت ما در آینده منوط و مربوط است. ایران اسلامی باید در خط اسلام پافشاری کند و با استقامت باقی بماند و پرچمدار معنویت اسلام باشد؛ نه فقط این که ما انقلابی کردیم، نظامی بر اساس يك مکتب تشکیل دادیم، دولتی مثل دولتهای دیگر عالم شدیم و دل خوش کنیم که تفکرات مختلف و نظام‌های گوناگونی بر دنیا حاکمند، يك مملکت پنجاه میلیونی هم در اختیار ما اسلامیان است. این، خیلی کم و کوچک است.

باید معنویت اسلام - که بیشترین جاذبه‌ی اسلام، مربوط به همین معنویت است - حفظ شود. باید در این دنیایی تاریک مادی، قداست اسلام، با همان درخشندگی‌بی که از اول انقلاب تا حالا در عمل ملت و رهبر عظیم‌الشأن فقید



( رضوان الله تعالی علیه ) نشان داده شده، باز هم نشان داده بشود. باید همان احساس و ابراز اقتداري که ناشی از اتکال به خداست و به ملتها امید داد و آنها را از حالت انفعال خارج کرد، باز هم از ایران اسلامی مشاهده بشود. باید همان پیوند مستحکم بین آحاد این ملت و توده‌های عظیم و میان رهبران اسلامی و علمای دین - که حاکی از ایمان مردم به اسلام بود - باز هم مشاهده بشود و محسوس باشد. باید همان رابطه‌ی مستحکم بین مردم و مسؤولان - که پرچمداران این نظام هستند و تاکنون رمز وحدت و یکپارچگی این ملت، همین مطلب بوده است - باز هم مشهود و محسوس باشد. معلوم است که نقش علمای اعلام و بخصوص امثال شما آقایان - که بحمدالله از آبرو و اعتبار و حیثیت والایی در میان مردم برخوردار هستید - در ایجاد و حفظ و تقویت و ادامه‌ی چنین چیزهایی، غیرقابل انکار است.

امروز بحمدالله نظام جمهوری اسلامی، همی ارکان یک نظام مقتدر را با خود دارد. ما می‌توانیم آن نظامی باشیم که ملتها به ما نگاه کنند و نیرو و امید بگیرند و احساس قدرت بکنند؛ همچنان که تاکنون بوده‌ایم. ما می‌توانیم آن ملتی باشیم که زندگی و جریان امور داخل کشور و وضع اقتصادی و قضایی و عدالت و حاکمیت عدل و انصاف در جامعه‌ی ما به نحوی باشد که ملت‌های دیگر را تشویق کند و آنها را به پیمودن این راه ترغیب و امیدوار نماید. خدای متعال را سپاسگزاریم که برای اداره‌ی این کشور، مجریانی را برگزید که برای نظام جمهوری اسلامی، بهتر از آنها متصور نیست. در شرایط فعلی، دولت امروز و رئیس‌جمهور محترم و عزیز و باشخصیت و ارجمند، کسانی هستند که می‌توانند این کشور و این ملت و این نظام را در اهداف عالی‌ه‌ی خودش راهنمایی کنند و پیش ببرند و امور را آن‌چنان جریان ببخشند که مایه‌ی آبرو و اعتبار روزافزون اسلام در چشم ملت‌ها بشود. این چیزی است که ما امروز بحمدالله داریم.

ما ملتی مؤمن، فداکار، باتجربه، پخته، آبدیده، بااستعداد و هوشمند داریم که مصایب گوناگون را با شجاعت از سر گذرانیده و آماده‌ی پیمودن و ادامه‌ی این راه پرافتخار است. ما برای اداره‌ی این کشور، بیش از همه چیز، به نیروی انسانی احتیاج داریم و نیروی انسانی زمینه‌ی بسیار کم‌نظیری در کشور ما دارد. برای کسانی که روی ملت‌ها مطالعه می‌کنند، کمتر ملتی به استعداد و هوشیاری ملت ما شناخته شده است.

بحمدالله در تاریخ ایران، هیچ روزی مثل این دوران و این عهد نبوده است که اسلام در حاکمیت باشد؛ پرچم قرآن برافراشته باشد؛ عمل به اسلام، ارزش به حساب بیاید و قوانین، متخذ از اسلام و قرآن باشد. ما چه می‌خواهیم؟ ما بیش از این و بزرگتر از این نعمت، از خدا چه می‌خواهیم؟ تمام تلاشمان را بایستی مبذول کنیم که این نعمت ارزشمند و بی‌نظیر و بی‌سابقه را برای این ملت حفظ کنیم. این، با تلاش مخلصانه ممکن است.

باید انگیزه‌ی حرکت ما - در هر سطحی که هستیم - انگیزه‌ی الهی باشد. علاج همه‌ی دردهای ما، اخلاص است. اگر اخلاص باشد، همه‌ی چیزهایی که فعلاً نظام و جامعه‌ی ما از آنها متأذی است، برطرف خواهد شد. اخلاص در عمل، موجب خواهد شد یکپارچگیها تحکیم بشود. بحمدالله ملت ما یکپارچه و متفقند. تبلیغات و وساوس دشمن نتوانسته است یکپارچگی ما را به هم بزند و اختلاف ایجاد کند؛ باید این را تحکیم کرد. این یکپارچگی و اتحاد، به مسؤولان و متصدیان امور امکان خواهد داد که وظایف و بارهای سنگینی که بر دوششان است، با جرأت و قدرت بیشتر حمل کنند و گره مشکلاتی که ما از گذشته‌های دور و از سال‌های طولانی غلبه و سلطه‌ی طاغوت بر این کشور وارث آنها هستیم، باز نمایند.

به‌هرحال، امروز مسؤولیت بسیار سنگین است. البته مسؤولیت مجلس خبرگان، به خاطر اهمیت موقع و جایگاه آن، از جهاتی سنگینتر از همه‌ی ارکان جمهوری اسلامی است. این مجموعه ان‌شاءالله می‌تواند فعالیتها و تلاشهای خودش را حتی از این هم که امروز هست، بیشتر و بلکه مضاعف کند.

من از چندی پیش به این طرف، با خودم فکر می‌کردم که تصمیمی که در دو، سه سال قبل از این در مجلس



خبرگان گرفته شد و کمیته‌یی به عنوان کمک به رهبری تشکیل گردید - که بعضی از برادران در آن کمیته عضو بودند - جزو مهمترین وظایف مجلس خبرگان است و چه خوب و شایسته است که آن کمیته و کمیته‌های دیگری که منشعب و منبعت از وظایف مجلس خبرگان است، فعال بشود. مسایل زیادی هست که باید به آنها رسیدگی بشود. این مجموعه بایستی همیشه آماده و حاضر و به عنوان نقطه‌ی امیدی برای این ملت، مشغول کار باشد و اعضای آن در جایگاه مسؤولیت خودشان باشند. البته راجع به انتخابات خبرگان و وظیفه‌ی مردم در این مورد، مطالبی هست که در هنگام خودش عرض خواهم کرد و نکاتی را که لازم است به ملت عزیزمان تذکر بدهم، تذکر خواهم داد.

امیدوارم که خداوند متعال، آقایان محترم را مشمول الطاف و تفضلات خاص خود قرار بدهد و رحمت و فضل خودش را بر شما نازل کند و توفیقاتش را بر شما ارزانی بدارد. از این که سخن طولانی شد، معذرت می‌خواهم. با آن ملاکی که حضرت آقای مشکینی فرمودند، بایستی صحبت را مختصر می‌کردم و قصدم هم همین بود که مختصر کنم؛ اما متأسفانه صحبت طولانی شد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته